

هو العليم

## توضیحی بر وحدت وجود

مفهوم وحدت وجود و فرق آن با اتحاد و حلول

برگرفته از آثار:

حضرت علامه آية الله حاج سيّد محمد حسين

حسينی تهرانی

و

حضرت آية الله الحاج سيّد محمد محسن حسينی

تهرانی

قدس الله سرهما

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

و لعنة الله علی أعدائهم اجمعین

### ساده ترین عبارت در وحدت وجود

وحدت وجود اینست که خداوند اصل و مبدأ در

جهان است و هیچ موجودی از پیش خود موجود

نشده است، این ساده ترین عبارتی است که می توان

گفت.<sup>۱</sup>

### فرق وحدت با اتحاد و حلول

وحدت به معنی اتحاد و حلول ذات خالق با

مخلوق نیست؛ وحدت به معنی عینیت ذات لا

یتناهی و ما لا اسم له و لا رسم له با این وجودات

متعینه کثیفه متقیده و محدوده به هزاران عیب و علت

نیست.

---

<sup>۱</sup> مجموعه پرسش و پاسخ، ص: ۱۵۹

وحدت به معنی استقلال ذات حقّ تعالی شأنه در وجود است که با وجود این استقلال و عزّت، هیچ موجود دیگری توان استقلال را نداشته و وجودش وجودی ظلّی و تبعی است، همچون سایه شاخص که به دنبال آن می‌گردد. تمام موجودات وجودشان از حقّ است؛ همه آیه و نماینده می‌باشند. بنابراین همه ظهورات او می‌باشند و تجلّیات ذات اقدس وی.

اما ظاهر از مظهر جدا نیست، و متجلّی از متجلّی فیه انفکاک نمی‌تواند داشته باشد؛ و گرنه دیگر ظهور و تجلّی نیست؛ آن وجودی است جدا و این وجودی است جدا. در اینصورت عنوان مخلوق و ربط و رابطه برداشته میشود و تمام کائنات موالید خدا می‌گردند، در حالیکه او {لَمْ يَلِدْ} است.<sup>۱</sup>

عینیّت حقّ با اشیاء، عینیّت ذات بسیط ما لا اسم له و لا رسم له با اشیاء نیست؛ زیرا آن قابل وصف نیست و این اشیاء به وصف می‌آیند. او تعین و حدّ ندارد؛ اینها همگی محدود و متعین هستند.

عینیّت به معنی عینیّت علّت با معلول، و خالق با

---

<sup>۱</sup> صدر آیه ۳، از سوره ۱۱۲: التّوْحید

فعل، و ظاهر با ظهور است. بدینمعنی که: اگر فرض  
رفع حدود و تعینات شود، دیگر غیر از وجود بخت  
و بسیط و مجرد چیز دیگری در میان نمی ماند و  
نمی تواند در میان بماند.

وحدت وجود به معنی تعلق و ربط حقیقی - نه  
اعتباری و توهمی و خیالی - همه موجودات است با  
خالقشان، و در اینصورت دیگر فرض زنگار استقلال  
در موجودات بی معنی می شود. همه با خدا  
مربوطاند؛ بلکه ربط صرف می باشند. و خالق متعال  
که حقیقت وجود و أصل الجود و الوجود است با  
تمام اشیاء معیت دارد؛ نه معیت  $1 + 1$  که این غلط  
است و عین شرک است؛ بلکه فی المثل مانند معیت  
نفس ناطقه با بدن، و معیت عقل و اراده با افعال  
صادره از انسان که تحقیقاً در مفهوم و مفاد و معنی  
یکی نیستند؛ ولی از هم منفک و متمایز هم  
نمی باشند.<sup>۱</sup>

**آیا وحدت وجود با توحید و شعارهای آن**

---

<sup>۱</sup> روح مجرد، ص: ۳۷۳-۳۷۴

## فرق می کند؟

وحدت وجود، با توحید که مبنای اساس شرایع  
إلهیه و بالأخص دین حنیفیه اسلام است، یک معنا  
است؛ وحدت، مصدر باب لازم و مجرد است و  
توحید، مصدر باب متعدی و مزید<sup>۲</sup> فیه. الله اکبر، و لا  
إله إلا الله معنایش همین حقیقت بزرگ است.

اینها [یی که مفهوم وحدت وجود درست متوجه  
نشده اند] می گویند: وحدت وجود، یعنی همه چیز  
خداست، سگ خداست، کافر خداست، زانی  
خداست؛ عیاذاً بالله! کجا معنای وحدت این است؟!  
در کدام کتاب خوانده‌اید و یا از کدام مؤمن عارف  
موحّد شنیده‌اید؟!

آنها که فریاد می زنند: "در ذات واجب، همه اشیا  
محدوده و تمام ممکنات بحدودها و ماهیاتها راه  
ندارند!" کجا سگ و کافر و زانی راه پیدا می کنند؟!  
ارباب شهود و کشف توحید می گویند: «در عالم  
وجود، غیر از خدا چیزی نیست.» یعنی وجود او  
چنان سیطره و احاطه در اثر وحدت حقه حقیقه و  
صرفه خود دارد که هیچ موجودی در قبال او و در

برابر او، عرض اندام ندارد؛ وجود اقدس حق، همهٔ اشیاء را مندرک و مضمحل و فانی نموده است. آنجا حدود و قیود - که لازمهٔ شیئیت اشیاء هستند - کجا می‌توانند وجود و تحقق داشته باشند؟!!

آنها می‌گویند: «وجود ارواح قدسیه و نفوس انبیای عظام، در ذات حق مندرک و فانی هستند! در ذات حق، جبرائیل و اسرافیل را نمی‌توان یافت!» آن وقت کجا سگ و خوک و میکروب و قاذورات یافت می‌شود؟!!

آنها می‌گویند: «تمام موجودات در برابر ذات او وجودی ندارند؛ آنها همه تعین و ماهیت و حدود می‌باشند، و اصل وجود موجودات بسته به ذات حق است!» که از آن به صمدیت و مصدریت و قیومیت و منشائیت تعبیر شده است.

این معنا و مفهوم را اگر درست دقت کنیم، مفاد و مراد همین کلمهٔ تکبیر و کلمهٔ تهلیلی است که هر روز در نمازهای خود واجب است چندین بار بر زبان آوریم و به محتوا و مفاد آن معتقد باشیم.

اما مسکینان نمی‌فهمند، و معنای وحدت را از نزد خود، حلول و اتحاد می‌گیرند که منشأ آن شرک و

دوئیّت است. آنگاه می‌ترسند که بدین اعتقاد عالی که روح اسلام است، لب بگشایند؛ درحالی‌که خودشان در شبانه‌روز در نمازها همین معنا را تکرار می‌کنند و همین عبارات را از ذهن می‌گذرانند. و این امر ناشی است از پایین آمدن سطح عمومی معارف اسلام و اکتفا به علوم مصطلحه و مقررّه، و دور شدن از آب‌سجوار حقایق.<sup>۱</sup>

### خلاصه

معنای وحدت وجود به کلی معنای تعدّد و تغایر را نفی می‌کند و در برابر وجود مقدّس حضرت احدیّت تمام وجودات متصوّرّه را جزء موهومات می‌شمرد و همه را ظلّ و سایه می‌شمرد، و سالک به واسطه ارتقاء به این مقام تمام هستی خود را از دست می‌دهد و خود را گم می‌کند و فانی می‌شود و غیر از ذات مقدّس او در عالم وجود ذی وجودی را ادراک و ذوق نمی‌نماید «و لیس فی الدّار غیره دیّار»، این کجا و حلول و اتّحاد کجا؟<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> توحید علمی و عینی، ص ۳۲۷

<sup>۲</sup> رساله لب اللباب در سیر و سلوک اولی الألباب، ص: ۱۴۰